

عاشق یا معشوق

از «دکتر عزیزاله سلیم پور»

نیس - فرانسه

برگزیده او خواهیم بود! و بالاخره، سؤال «فردریک دوم» پادشاه پروس که از استقی که نزد او استغفار میکرد میپرسید: چه دلیلی برای اثبات وجود خدا میتوانید بمن ارائه کنید؟ و جواب او: «قوم یهود» سؤال اصلی را در من پدیدار مینماید آیا واقعا " ما قوم برگزیده پروردگار هستیم؟

شب پسخ است و یکی از فرامین این شب جواب به سؤالات و احیانا " ایجاد آنها است. مگر نمیگوئیم سؤال از جواب مهمتر است؟ و من بجای جواب به این سؤال از شما مانند کسانی که در شب پسخ با هم بودیم سؤال دیگری میکنم: آیا تا بحال عاشق شده اید؟ سوختن در آتش عشق را شاعران ایرانی چه زیبا بسوختن پروانه در شعله شمع تشبیه کرده اند:

ای شمع برو عشق ز پروانه بیاموز

کان شیفته را جان شد و آواز نیامد

آیا این شعله شمع است که پروانه را بخود جلب میکند یا پروانه است که دیوانه وار بدور شمع آنقدر می چرخد تا جان شیرین از دست بدهد.

زنبور عسلی که بطرف گلی از میان گنهای گلستان رفته از عصاره گلبرگهایش مست میشود و باز میگردد از چه فلسفه ای پیروی میکنند؟ و یا عاشقی که برای رسیدن به محبوب از جان گذشته عقل و نام را بفراموشی میسپرد تا به او دست یابد، آیا فعل و انفعالاتی که از روان ناخودآگاه او سرچشمه گرفته و باعث این کشش شده باخبر است؟ در این میان دلبر کیست و دل داده کدام است. چرا همه مردها عاشق یک نوع زن و تمام زنها شیفتهء یک گونه مرد نمیشوند.

منشاء اصلی و نقطه آغاز عشق چیست؟

آیا عاشقی که فکر میکند قلب معشوق را تسخیر کرده خود قبلا " دل نباخته بوده است؟ دلبر، دل ستان، دل ربا، دلخواه در این دلبستگی کدام دلبر به کی دل باخته است؟ برگزیننده کیست و برگزیده کدام است؟

آری، بنظر من رابطه قوم یهود با خداوند یگانه درست بسان رابطه عاشقانه است. آیا خداوند قوم یهود را برگزیده و یا این قوم یهود است که خدای یگانه را برگزیده است؟

باز نوروز و در پی آن پسخ فرا رسید. نوروز زیباترین عید باستانی که مظهر تجدید حیات طبیعت است و پسخ که یادبود رهائی یهودیان به بند کشیده بدست فراعنه است، عیدی که بقول شادروان دکتر حبیب لوی میبایست بعنوان مظهر آزادی تمام بردگان و بندیان عیدی جهانی باشد.

جشن نوروز را در میان هم میهمانم در پارسی و در کنار رودخانه سن و مراسم پسخ را با همکیشانم در کناره آبهای نیلگون مدیترانه برگزار کردم. آری، میدانم مرد خوش اقبالی هستم که میتوانم این دو جشن را آسوده خاطر و سبک بال دور از سرزمین هائی که در آنها حق انسانها پایمال میشود و یا در کشوری که افرادش را در این شب مقدس فقط بخاطر یهودی بودنشان از پیر گرفته تا جوان و کودک نوزاد و زن و مرد بیگناه بقتل میرسانند بپا کنم ولی آیا این شادی با غم در هم نیست؟ مگر سعادتی نمیگوید:

چو عضوی بدر آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

آری، با دلی شکسته و روحی پر اندوه ولی در عین حال امیدوار به فردائی روشنتر با فامیل و دوستان یهودی و غیر یهودی به سر سفره پسخ نشسته نیایش را آنگونه که از پدرم آموخته ام آغاز میکنم.

«پروردگارا مقدس باد نام تو که ما را از میان اقوام برگزیدی تا از فرامینت اطاعت کنیم...»

با این استناد میگویند ما قوم برگزیده خدا هستیم و بهای این برگزیدگی را از سه هزار سال پیش تاکنون گزاف پرداخته ایم. ویلن زن روی بام اثر شالم علیخیم را بیاد میآورم که روی به آسمان کرده خداوند را مخاطب قرار داده میپرسید: «ممکن نیست دفعهء دیگر قوم دیگری را برگزینی؟!»

جمله اتهام آمیز توگل که یهودیان را ملتی مغرور و استیلا طلب می خواند در حالی که در ۱۹۶۷ کشورهای مقتدر عرب بودند که بنابودی کشور اسرائیل کمر بسته بودند. جمله طنزآمیز «وودی آلن» بعنوان انعکاس در مغز نقش می بندد «حتی اگر هم خدائی وجود نداشته باشد، باز ما قوم

پیروی کنند میتوانند بدرجه انسانی نائل شوند. او به یهودیان دریند سرود آزادی میآموزد و به امید یاری خدای نامرئی آنها را تشویق به حرکت مینماید تا به سرزمین موعود برسند. ملت یهود با قبول این قانون و آمیزش با آن، رابطه عاشقانه با آفریدگار خود برقرار ساخت.

قوم یهود آواز توحید را شنید و از بن جان پذیرفت، آنرا با روح خود معجون ساخت و به جهانیان تقدیم کرد تا در راه برابری و برادری انسانها گامی برداشته باشد. قومی که در این شب از اصالت ثروت جلال و شوکت اجداد خویش سخن نمیگوید بلکه با تواضع و فروتنی اعتراف میکند که «ما در مصر برده بودیم» آری این «قوم برگزیده» که طرق اطاعت از فرامین خدای یکتا یعنی والاترین نوای خفته در اعماق ضمیر انسانی را برگردن زده معنی این بیت سعدی را پیش از سرودنش آموخته است:

رسد آدمی بجائی که بجز خدا ندیند
بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت

آنچه مسلم است، قبول و پرستش خدائی نامرئی در سه هزار سال پیش پدیده ای خارق العاده است چرا که هنوز هستند و چه بسیاریند که بسان سازندگان «گوساله طلایی» دوران حضرت موسی فقط خدائی را میپرستند که بچشم دیده شده و با دست لمس شود. نام اینگونه خدا امروز برحسب مکان، دلار، طلا یا اورو وین ژاپنی است. آنوقت در سه هزار سال پیش پیامبری قوم خود را باطاعت از خدائی نامرئی و غیر قابل تصور دعوت میکند «نتوان وصف تو کردن، که تو در وصف نیائی»، که به او دستوراتی میدهد که کاملاً با طبیعت و غریزه انسانهای آن زمان مغایرت دارد. برای مثال فرمان میدهد «قتل مکن». کدام غریزه ای در انسان قویتر و فعالتر از غریزه قتل نفس است؟ کدام یک از ما در کودکی از کشتن مورچه و سوسگ گرفته تا موش و احیاناً سگ و گربه لذت نبرده ایم و شبهای امتحان آرزوی مرگ ناگهانی ناظم یا معلم سخت گیر را در سر نپرورانیده ایم؟ همین امروز بنام همین خدائی که دیده و لمس نمیشود، خدائی که فرمان قتل مکن را نازل کرده است هر روز در سراسر جهان، انسانها را بکشتن میدهند و از نگاه دردناک و معصوم کودکان یتیم و والدین جگرگوشه از دست داده، کوچکترین احساس گناهی نمیکنند؛ بلکه به این عملشان افتخار میکنند و حتی آنرا بعنوان شعار در مغز و اندیشه نوجوانان پرورش میدهند. «بکشید و کشته شوید».

فروید میگوید کودک، یک منحرف همه رنگ است (pervers Polymorphe). این تعلیم و تربیت است که او را از انحراف به راه راست هدایت کرده، از او انسانی متمدن میسازد و این بجز از طریق قانونی که مظهرش پدر است میسر نیست. حضرت موسی در ۳ هزار سال پیش به جهانیان قانونی را تقدیم کرده است که با آن جاندارانی که از آن

آژانس مسافرتی

Unique Travel

با بهترین نرخها و سرویس برتر

برای مسافرتهای داخلی، خاورمیانه، اروپا و خاور دور

بهترین تورها مخصوص اسرائیل و ایران

برای کسب اطلاعات بیشتر با خانم ناهید نورانی

تماس حاصل فرمایید.

(212) 421-5570 (917) 821-4707

Menora Electric

Fast, Efficient &
Reliable Service



منورا الکتریک

سرویس سریع، مطمئن و قابل اعتماد

تعمیر و سرویس تلویزیون، VCR،

جارو برقی و کولر

• سیم کشی و تعمیرات منازل و شرکتها

• تعمیر و نصب پنکه های سقفی و لوستر

• نصب چراغهای اتوماتیک (timer) برای شبات

Tel: (516) 621-0907

Cel. (516) 456-1774